

ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی^۱

سال سیزدهم - شماره ششم - شهریور ۱۳۹۹ - شماره پیاپی ۵۲

بررسی مقالات مربوط به سبک‌شناسی شعر حافظ در دهه هفتاد

(ص ۱۸۹-۱۷۱)

علی حیدری^۲، ابوالقاسم قوام^۳ (نویسنده مسئول)، عبدالله رادمرد^۴

تاریخ دریافت مقاله: تیر ۱۳۹۸ تاریخ پذیرش قطعی مقاله: دی ۱۳۹۸

چکیده

یکی از ضروری‌ترین پژوهش‌ها و مطالعات بنیادی در عرصه حافظ‌پژوهی شناسایی، معرفی و بررسی آثاری است که در پیوند با حافظ و غزلیات او نوشته شده است. دیوان حافظ نموداری از ضمیر مشترک مردم ایران و شعر او عصاره فرهنگ ایرانی است. بنابراین آنچه در شعر او درباره هر موضوعی آمده باشد می‌تواند باور همگانی ایرانیان نسبت به آن موضوع تلقی شود. شناخت تنوع موضوعی مقالات این حوزه به منظور مراجعه و استفاده و نیز پرهیز از انجام کارهای موازی ضروری است. در این مقاله پس از معرفی حدود ۳۹۱ مقاله مرتبط با حافظ و غزلیات او از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۸۰ به بررسی تخصصی مقالاتی خواهیم پرداخت که در زمینه سبک شعری حافظی و مطالب مربوط به سبک‌شناسی شعر خواجه به نگارش درآمده‌اند. روش کار به این شکل است که مقالاتی که از لحاظ موضوعی یکسان و یا نزدیک به هم بوده، در یک گروه قرار گرفته‌اند و کوشش شده است تصویری از مطالعات سبکی مرتبط با شعر حافظ در دهه هفتاد ارائه شود، آنگاه ضمن ارائه نتیجه‌گیری و نمودارها و جداول خواننده امکان می‌یابد که در حافظ‌پژوهی را در دهه هفتاد در یک نگاه کلی و به اجمال مشاهده کند.

کلیدواژه: حافظ پژوهی، مقالات دهه هفتاد، سبک‌شناسی، تنوع موضوعی.

۱- تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده‌اند.

۲- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
(Ali.heidari@iauu.ac.ir)

۳- دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
(ghavam@ferdowsi.um.ac.ir)

۴- دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
(radmard@ferdowsi.um.ac.ir)

An Analysis of the Articles Published on the Stylistics of Hafez Poems in 70th Decade

Ali Heidari,^۱ Abolghasem Ghavam^۲ (Corresponding author),
Abdollah Radmard^۳

Abstract

One of the most essential investigations and the basic studies in the domain of Hafez is the identification and analysis of works conducted on Hafez and his lyrics. Hafez Divan is an illustration of the common themes between Iranian people and his poems as the essence of Iranian culture. Therefore, whatever has been mentioned in his poems is an indication of Iranian beliefs on that topic. The recognition of the variety of topics in this domain is for providing the reference and use and for avoidance of repetition. In this paper, introducing approximately 391 papers on Hafez and his lyrics from 1371 to 1380, the researchers examine the papers that have especially been published on the stylistics issues of Hafez poems. In so doing, the papers which are similar in topics or have some similarity are categorized under the same class and the researchers have tried to depict a picture of the stylistics of Hafez poems in 70th decade. The results obtained from the data are then tabulated and are shown in pictures so that the readers are provided a comprehensive and concise overview of the research on Hafez in 70th decade.

Key words: Research on Hafez, papers in 70th decade, stylistics, variety of topics

¹ - PhD student of Persian language and literature, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran (Ali.heidari@iauh.ac.ir)

² - Associate Professor of Persian Language and Literature, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran (ghavam@ferdowsi.um.ac.ir)

³ - Associate Professor of Persian Language and Literature, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran (radmard@ferdowsi.um.ac.ir)

۱. مقدمه

انجام کتاب‌شناسی و مقاله‌شناسی به تعیین موضوع و حدود آن نیز کمک می‌کند از همین رو پس از انتخاب موضوع پژوهش، اساسی‌ترین مسئله مراجعه به منابع برای گردآوری اطلاعات است؛ بنابراین هر پژوهشگری برای به سامان رساندن پژوهش خود به مطالعه و بازبینی کلیه آثار مربوط به موضوع مورد نظر نیاز دارد و آگاهی از آن‌ها افزون بر افزایش غنای پژوهش از هدر رفتن فرصت‌ها و دوباره کاری پیشگیری می‌کند.

خواجه حافظ شیرازی به مراتب رفیع‌تر از آن است که محتاج به معرفی باشد وی شاعری است که شهرت جهانی دارد همین مقدار بس که شاعر بزرگوار چون گوته آلمانی در کتاب ارزشمند خود که آن را به احترام خواجه حافظ به لفظ فارسی دیوان (دیوان غربی و شرقی) عنوان داده است خطاب «لسان الغیب» شیراز فرموده است: «ای حافظ، خود را با تو مقایسه کردن عین جنون است؛ چون که تو دریا هستی و ما قطراتی بیش نیستیم» (جمال زاده، ۱۳۷۱). دیوان حافظ به صدها زبان دنیا در اروپا و در کشورهای دیگر ترجمه شده است. اولین بار نام حافظ را در سال ۱۶۵۰ پیتر دلاواله به دیار فرنگ برد و تا کنون در زمینه‌شناساندن حافظ به غریبان از طریق ترجمه اشعار او کوشش‌های بسیاری صورت گرفته است. این که این ترجمه‌های منظوم و منثور تا چه حد توانسته‌اند هنر و اندیشه حافظ را به غیر فارسی‌زبانان بشناسانند پرسشی است که پاسخ به آن مستلزم مروری بر ترجمه این اشعار است. اولین ترجمه حافظ به صورت کتاب و به لاتینی در سال ۱۷۷۱ به وسیله کارل امیخ روستیکی از اسلواکی به چاپ رسیده است و ترجمه بزرگ سه جلدی دیوان حافظ به زبان آلمانی را ونیتستس که اهل جکسلواکی بود در «وین» سال‌های ۱۸۶۴-۱۸۵۸ منتشر کرد و بالاخره دیوان حافظ در سال ۱۸۷۰ به زبانهای چکی و اسلواکی ترجمه شد (یرژی بیچکا، ۱۳۷۱). در قاره آسیا هم بویژه کشورهای چین و ژاپن به شناخت حافظ پرداخته‌اند. مقالات و کتاب‌های زیادی در موضوعات مختلف حافظ پژوهی هم از ترجمه‌ها و شرح حال حافظ و ... چاپ کرده‌اند.

یکی از موضوعات مهم عرصه حافظ‌پژوهی سبک و بیان حافظ است که او را عالم‌گیر کرده است. شعر حافظ از این حیث ممتاز است. الفاظ زیبا و متناسب، محاورات موزون، ابتکار در سبک و افکار انسجام صلابت و استحکام، شیرینی و روانی از مختصات شعر حافظ است. سبک بیانش و افکار او توانسته است تا امروز تر و تازه بماند. در بی‌مانندی سبک حافظ جای حرف نیست و در حقیقت چیزی که او را از سایر شعرای فارسی متمایز و ممتاز می‌گرداند زبان و بیان اوست (اشرف، ۱۳۷۸). این مقاله کوشیده است با شیوه‌ای علمی به بررسی مقالاتی بپردازد که در سال‌های ۱۳۷۱ تا ۱۳۸۰ به موضوع سبک‌شناسی شعر حافظ توجه نشان داده‌اند. برای دستیابی به این هدف نویسندگان نخست ضروری

دیدند که به گستره و تنوع موضوعی مقالات حافظ‌پژوهی در این دوره اشاره داشته باشند و در ادامه به مقالات تخصصی سبک‌شناسی بپردازند. موضوعات متنوع دیگری در این بازه زمانی یعنی دهه هفتاد از دیوان و اشعار حافظ نویسندگان مقالات نوشته شده است که مجال بحث آنها در اینجا به صورت کامل نبوده است مقالاتی از قبیل تک بیتها و تصحیح نسخه‌ها و نسخه‌شناسی، نقد کتابها و مقالات حافظ‌پژوهی، تفسیر غزلها و دیگر مقالات که با موضوعات خاص باید در جای خود مورد نقد و بررسی قرار گیرد. مثلاً تاکنون پژوهش‌های زیادی درباره آثار، افکار و نسخه‌های خطی دیوان حافظ صورت گرفته است. اما هنوز جای بسیاری از پژوهشهای انتقادی و علمی در این زمینه خالی است.

یکی از ضروریترین پژوهشها و مطالعات بنیادی در عرصه حافظ‌پژوهی شناسایی، معرفی و بررسی آثاری است که در پیوند با حافظ و غزلیات او نوشته شده است. در این مقاله به بررسی مقالات سبک‌شناسی در گستره حافظ‌پژوهی پرداخته شده است تا از این طریق هم نقاط قوت و ضعف پژوهشگران پیشین مشخص شود و هم زمینه تحقیقات بیشتر و کاملتر فراهم گردد.

۲. پیشینه تحقیق و روش پژوهش

در غرب نخستین کتاب‌شناسی را جالینوس، پزشک یونانی، در سده دوم میلادی با عنوان کتابهای من تهیه کرد. مقاله‌شناسی یا مقاله‌نامه که نوعی کتاب‌شناسی است، سیاه‌ای از مشخصات مقاله‌های منتشر شده در نشریات ادواری است. تاریخ تهیه، تدوین و استفاده از این ابزار مرجع‌شناسی چندان کهن نیست، در سده هجدهم پس از انقلاب صنعتی و توسعه پژوهش و تحقیق، مقالات علمی جایگاه مهمی یافتند. نخستین مقاله‌شناسی به زبان فارسی در سال ۱۳۴۰ ه.ش تحت عنوان «فهرست مقالات فارسی» (جلد نخست) به همت ایرج افشار منتشر گردید. مقاله حاضر نیز براساس فهرست مقالات ایرج افشار گردآوری شد و مقالت مربوط به حافظ مورد نقد و بررسی تنوع موضوعی قرار گرفته است.

حافظ پژوهی از پربرترین شعبه‌های ادب پژوهی در کشور ماست. بیش از یکصد شرح و دوپست تصحیح گوناگون از دیوان حافظ به عمل آمده است که مشخصات آنها در دو کتابنامه حافظ: (۱) کتاب‌شناسی حافظ، نیکنام، تهران ۱۳۶۷ و (۲) حافظ‌پژوهان و حافظ‌پژوهی، رادفر، تهران، ۱۳۶۷ مندرج است. چاپ دیوان حافظ، تاریخی دوپست ساله دارد که تقریباً شامل دو دوره یکصد ساله است، دوره اول چاپ عادی و غالباً چاپ سنگی دیوان حافظ است نخستین طبع دیوان حافظ در ایران در سال ۱۲۵۳/۱۲۵۴ هـ ق انجام گرفته است. تصحیح قدسی کمابیش آغازگر دوره دوم یعنی تصحیح تحقیقی و انتقادی براساس چندین نسخه و تطبیق آنهاست که سیر تکاملی داشته و در این مسیر اصول و

مبانی و روش آن مدام عینی تر و عملیتر میشود (خرمشاهی، ۱۳۷۸) و علاوه بر این حدود ۲۱۰۰ مقاله درباره حافظ‌پژوهی تا سال ۱۳۹۵ براساس فهرست مقالات ایرج افشار به چاپ رسیده است. تاکنون پژوهشی که در آن مقالات مربوط به سبک‌شناسی حافظ، بررسی توصیفی انتقادی شده باشد، صورت نگرفته است و تنها رساله دکتری ابراهیم اکبری در سال ۱۳۹۳ تحت عنوان «بررسی کارنامه مقاله‌نویسی حافظ از سال ۱۳۰۰ تا سال ۱۳۷۰» نگارش یافته است.

روش تحقیق در این مقاله توصیفی-انتقادی است که ابتدا اطلاعات شناسنامه‌ای مقالات در بازه زمانی مورد نظر بر مبنای فهرست مقالات فارسی ایرج افشار استخراج شده و کشف مقالات مربوطه از طریق کتابخانه‌ها و منابع اینترنتی صورت گرفته است. در انجام این تحقیق از رویکرد کیفی استفاده شده است و از آمار توصیفی برای نشان دادن توزیع فراوانی و درصد استفاده شده است.

۳. نگاه کلی به کارنامه حافظ‌پژوهی از ۱۳۷۱-۱۳۸۰

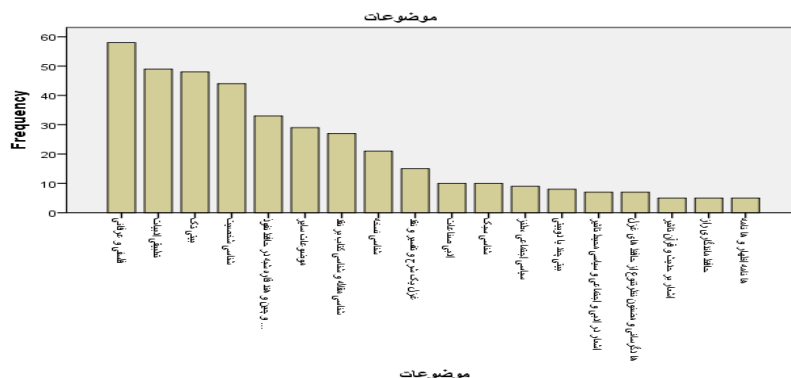
تعداد کل مقالات همانطور که اشاره شد حدود ۳۹۱ مقاله است که از نظر موضوعی به ۱۸ گروه تقسیم شده است که این تقسیم‌بندی براساس موضوعات شبیه به هم یا حداقل از لحاظ قرابت معنایی نزدیک به هم بوده انتخاب شده است. جدول شماره ۱ تنوع موضوعی مقالات را به همراه تعداد مقالات و درصد آنها نشان میدهد.

جدول ۱. تنوع موضوعی مقالات چاپ شده درباره حافظ در بازه زمانی ۱۳۷۱-۱۳۸۰

۱	تنوع موضوعی	تعداد	درصد
۲	عرفانی و فلسفی	۵۸	۱۴/۹
۳	ادبیات تطبیقی	۴۹	۱۲/۶
۴	تک بیتی	۴۸	۱۲/۳
۵	شخصیت‌شناسی	۴۴	۱۱/۳
۶	نفوذ حافظ در شبه قاره هند و چین و...	۳۳	۸/۵
۷	نقد بر کتاب‌شناسی و مقاله‌شناسی	۲۷	۶/۹
۸	نسخه‌شناسی	۲۱	۵/۴
۹	نقد و تفسیر و شرح یک غزل	۱۵	۳/۸
۱۰	صناعات ادبی	۱۰	۲/۶
۱۱	سبک‌شناسی	۱۰	۲/۶
۱۲	طنز، اجتماعی سیاسی	۹	۲/۳
۱۳	دوبیتی یا چند بیتی	۸	۲/۱
۱۴	تاثیر محیط سیاسی و اجتماعی و ادبی در اشعار حافظ	۷	۱/۸

۱۵	غزل‌های حافظ از نظر تنوع مضمون و دگرسانی‌ها	۷	۱/۸
۱۶	تاثیر قرآن و حدیث بر اشعار	۵	۱/۳
۱۷	راز ماندگاری حافظ	۵	۱/۳
۱۸	نامه‌ها و اظهار نامه‌ها	۵	1.3
۱/۳	سایر موضوعات	۳۰	۷/۴
	جمع کل	۳۹۱	۱۰۰

به منظور سهولت مقایسه برای خوانندگان، نمودار تنوع موضوعی مقالات در ذیل آمده است:



نمودار ۱. تنوع موضوعی مقالات چاپ شده درباره حافظ در بازه زمانی ۱۳۷۱-۱۳۸۰

در اینجا برای معرفی بهتر مقالات دو گروه کلی از مقالات یعنی مقالات عرفانی و تطبیقی را تا حدودی معرفی می‌کنیم:

۱-۳. عرفانی و فلسفی

از مجموع کل مقالات، تعداد پنجاه و هشت مقاله درباره موضوعات عرفانی و فلسفی نوشته شده است. این گروه از موضوعات به لحاظ نزدیکی و قرابت معنایی، با یکدیگر که گاهی تشخیص اخلاق از حکمت یا عرفان از اخلاق و عشق از عرفان و فلسفه از حکمت بسیار دشوار مینمود. باور نگارندگان این بوده است که اگر بطور دقیق و موشکافانه مورد بررسی قرار گیرد شاید اختلافاتی هم بوجود آید و از طرفی شاید اگر هر اصطلاح یک کلمه در یک موضوع قرار می‌گرفت دسته‌بندی ناممکن می‌شد. پس بنای کار بر همین تقسیم‌بندی قرار گرفت. از مجموع کل مقالات، چهل و چهار مقاله درباره «حکمت و اخلاق» است و عنایت به ذکر قرابت معنایی خود مقاله نیز حکمت و اخلاق را تفکیک

معنایی کرده است و مقاله دیگری نیز با موضوع تصویر انسان در شعر حافظ که به بُعد عرفانی و اخلاقی انسان پرداخته است.

تعداد چهارده مقاله نیز در موضوع «تعبیرات و اصطلاحات» نوشته شده است. غیرت، خرقة و خرقة‌سوزی، تجلی پیر، ترک که در بازه زمانی دهه هفتاد در مقالات منعکس شده است. «غیرت» از جمله واژه‌هایی است که بارها در شعر و نشر عاشقانه و عارفانه فارسی، از جمله در شعر حافظ، به کار رفته است. این واژه گاه معنای لغوی یا معنایی نزدیک به معنای لغوی خود را دارد. و گاه به عنوان یک اصطلاح اخلاقی- عرفانی یا به عنوان یک اصطلاح صرفاً عرفانی به کار گرفته شده است مانند مقاله دادبه (۱۳۷۱). سه مقاله درباره «رند و رندی در اشعار حافظ نوشته‌اند «رند» و «رندی» مفهومی است که در دیوان حافظ بیش از دیوان هر شاعر دیگری به کار رفته است. حافظ رندی را حکم الهی می‌داند و به دیگران نسبت به بدگویی از رند هشدار می‌دهد، مانند مقاله لطف طالبی (۱۳۸۰) و دو مقاله درباره «تجلی» در دیوان حافظ نوشته شده است به اعتقاد عارفان آنچه موجب پیدایش هستی می‌گردد تجلی حق است و تجلی حق به استناد حدیث: «کُنْتُ كُنْزاً مَخْفِياً فَأَحْبَبْتُ أَنْ أَعْرِفَ فَخَلَقْتُ الْخَلْقَ لِكَي أَعْرِفَ» که در عرفان از آن تجلی حق تعبیر می‌شود، مانند مقاله شوقی نوبر (۱۳۷۱). یک مقاله درباره پیر به معنی مرشد و راهبر در ترجمه‌های انگلیسی مطرح شده است و یک مقاله نیز در مورد تعبیرات پزشکی نوشته شده است مانند مقاله محقق (۱۳۷۱) و یک مقاله نیز در مورد «ترک» نوشته شده است.

۲-۳. ادبیات تطبیقی

از مجموع مقاله‌های نوشته شده در این دهه چهل و نه مقاله به این موضوع اختصاص داده شده که از این تعداد سه مقاله درباره مقایسه اشعار حافظ با شعرا و نویسندگان خارجی انجام گرفته مانند «برند»، حافظ و «بائول» تاگور کشور هند و مقایسه حافظ شیرازی و لی بوی چینی و نیز عشق در شعر حافظ و ابن فارض مصری و یک مقاله در مورد مقایسه صفات ادبی و شاعرانه حافظ با شاعران ایران و جهان است که فرشیدورد نوشته است و چهار مقاله دیگر در مورد مقایسه حافظ یا غزلی از حافظ با شاعران و نویسندگان ایرانی مثل: وجوه مشابهات شعر حافظ و کمال خجندی قیصری (۱۳۷۲) و مانند: غزل شمس الدین صاحب‌دیوان جوینی و غزل شمس الدین حافظ شیرازی (افشار، ۱۳۷۱) و حافظ و مولوی (سروش، ۱۳۷۱) و ...

یکی از ویژگی‌های برجسته شمس الدین محمدحافظ شیرازی، شاعر بزرگ و اندیشمند قرن هشتم هجری، استفاده از اشعار، سخنان اندیشه‌ها و عقاید بزرگان دیگر است. از مجموع کل مقاله‌ها در بازه زمانی (۱۳۷۱-۱۳۸۰) به تعداد ۱۵ مقاله از موضوع تأثیرپذیری و تأثیرگذاری بر حافظ نوشته شده است که ۷ مقاله درباره تأثیرپذیری حافظ از

شعرای دیگر است مانند، خاقانی، خواجهی کرمانی، عماد فقیه کرمانی و شیخ امین الدین بلبانی و ... شش مقاله درباره تأثیرگذاری حافظ بر شاعران و نویسندگان دیگر مانند مقاله اعلاخان افصح زاده (۱۳۷۲) و ۱ مقاله نیز درباره تأثیرپذیری شعرا و نویسندگان تجیک، قزاق و قرقیز و ۱ مقاله نیز در باره ترجمه اشعار حافظ به زبانهای مختلف نوشته شده است مانند مقاله ابوالقاسم رادفر (۱۳۷۱)

نام پرآوازه و شهرت حافظ و اشعار و افکارش مدتهاست که از حدود موطن او ایران به دورترین نقاط این جهان فراخ رسیده است. ترجمه دیوان و نیز تفسیر اندیشه‌های او به زبانهای دیگر توسط پژوهشگران و نقادان قابل ملاحظه است. غزلهای دلنشین حافظ شیرازی این امتیاز را بر اشعار شعرای دیگر داشته که زودتر از گفتار هر گوینده دیگر راه خروج از ایران را بر روی خود گشوده و به مجالس ادبا و محافل بزرگان عصر راه یافته است. در میان مقالاتی که به این موضوع اشاره دارند دو مقاله به نویسندگان و شاعران انگلیسی اختصاص دارد: مقاله «حافظ در گذر ترجمه» به کسانی همچون گرترویدل، والترلیف، جی. هیندلی، هرمان بیکنل پزشک انگلیسی اشعار و بعضی از غزلهای حافظ را در سالهای متفاوت ترجمه کردند که به عنوان نمونه ترجمه آزاد به شعر انگلیسی میتوانیم در ترجمه خانم گرترویدل در سال ۱۸۹۷ که بهترین اشعار حافظ است نام ببریم، مانند مقاله سادات دربندی (۱۳۷۱).

دو مقاله از مجموع این مقالات به کشور چکسلواکی سابق اختصاص دارد. نویسندگان و شاعرانی مثل کارل امریخ رویستکی که در سال ۱۷۷۱ اولین ترجمه حافظ به صورت کتاب و به لاتینی چاپ کرد. و نیز «وینتستس ازنتسویگ» کتاب سه جلدی حافظ را به زبان آلمانی در بین سالهای (۱۸۵۸-۱۸۶۴) به چاپ رسانده و خانم وراکوبیچکو اشعار حافظ را به زبان متناسب شعر چکی ترجمه کرده است، مانند مقاله یرژی بیچکا (۱۳۷۱) و مقاله دیگر تحت عنوان «حافظ و غزل او» توسط خانم وراکوبیچکو (۱۳۷۱).

از مجموع مقالاتی که در این بازه زمانی نوشته شده است تعداد چهار مقاله به نویسندگان و شعرای کشور ترکیه اختصاص دارد که از آنها از اشعار و اندیشه زلال حافظ تأثیرپذیری داشته اند از جمله تأثیر حافظ بر ادبیات کلاسیک ترک نخستین شرحی که در سرزمین عثمانی بر دیوان حافظ نوشته شد، شرح سیدعثمان سروری بر حافظ است. شرح دیگر دیوان حافظ به خانه شمعی انجام گرفته است. شرح سوم دیوان حافظ توسط سودی دوم شمعی نوشته شده است و شرح دیگری که بر دیوان حافظ توسط عثمانیها نوشته شده است از سوی وهبی قونوی بوده است. افزون بر این افراد دیگری درباره اشعار و دیوان حافظ کتاب نوشته و به چاپ رسانیده‌اند، مانند مقاله ناجی طوقمان (۱۳۷۱).

تعداد مقالاتی که در ارتباط با تاثیرگذاری حافظ بر کشورهای غرب (اروپا) بوده یک مقاله بطور کلی تحت عنوان «حافظ ایران و انیران» که با موضوعیت تاثیر اشعار حافظ در دیگر کشورها مانند (آذربایجان شوروی، امریکا، اتریش، اردو، ارمنی، ازبکستان، انگلستان، اوکراین، ایتالیا، بلغارستان، بنگلادش، تاجیکستان، ترکیه، چکسلواکی، چین، دانمارک، روسی، ژاپن، سوئد، سوئیس، فرانسه، فنلاند، گرجستان، لهستان، مجارستان، نروژ- هلند، عثمانی و عربی) اطلاعات کتاب‌شناسی ترجمه‌های انجام گرفته از دیوان حافظ به زبان‌های دیگر در قاره‌های مختلف در این مقاله بالغ بر ۱۶۰ اثر ترجمه شده دیوان حافظ، فهرست شده است (تقوی، ۱۳۷۱).

وجود ترجمه‌های اروپایی حافظ در کتابخانه‌ها که کهن‌ترین آنها به قرن هفدهم میلادی تعلق دارد نشانگر کوششهایی است که در این رهگذر در پیش گرفته شده و هنوز نیز دنبال میشود «در فرانسه غزل حافظ را به نثر شاعرانه‌ای ترجمه میکردند که شباهت به قطعه‌های بُو دلبر داشت و همچنین تک بیتهایی را از غزل‌های مختلف برگزیده و آنها را با برداشتهای عرفانی انتقادی و غیره که از شعر حافظ داشتند ترجمه میکردند.» بورگل یوهان کریستف (۱۳۷۱). آنچه ذکر شد خلاصه‌ای بود از بخشی از جلوه‌های مقاله‌شناسی حافظ در دهه هفتاد و اکنون به موضوع مقالات سبک‌شناختی حافظ در این دهه می‌پردازیم.

۴. سبک‌شناسی حافظ و مقالات مرتبط با آن در دهه هفتاد

اگر بخواهیم مقالاتی را که صراحتاً به مسائل سبکی در شعر حافظ پرداخته‌اند بررسی کنیم (سی و چهار مقاله به طور کلی) باید در مقدمه اشاره کرد: ویژگیهای سبکی و زبانی در اشعار حافظ زبان مهمترین ابزار و وسیله شاعر در ایجاد شعر و این نوع بیان هنری است و دیگر امکانات و ابزارهایی که در اختیار شاعر است در نهایت باید به وسیله زبان به کار گرفته و ارائه شود (مرتضوی، ۱۳۸۰). در این موضوع تعداد ده مقاله به چاپ رسیده است که از این ده مقاله سه مقاله در مورد طرز استفاده افعال در اشعار حافظ است: ۱- فعل دعایی ۲- افعال و مصادری که به دو حرف «آ» و حرف «الف» آغاز شده اختصاص دارد و گاهی اوقات در این افعال (مرکب) بیان قسمت‌های مختلف فعل فاصله‌ای ایجاد می‌شود. مانند مقاله شریعت (۱۳۸۰) که در بحث فعل دعایی در یک مقاله موضوع واو معدوله و ترکیب اضافی نیز مورد بحث و بررسی قرار گرفته است (مانند مقاله ضیایی حبیب آبادی، خرداد سال ۱۳۸۰) علاوه بر بحث فعل دعایی به «در» حرف اضافه و «یاء توقیت» مانند بهروز ثروتیان سال ۱۳۸۰ و دو مقاله در مورد ترکیب اضافی که یکی از آن مقاله درباره ترکیب «نقش حرام» مورد بحث و بررسی قرار گرفته است (مانند مقاله عابدی (۱۳۸۰)).

چهار مقاله درباره برخی از ویژگیهای زبانی و دستوری شعر حافظ پرداخته‌اند که در بعضی از آنها بحث زبان و دستور به حرف «ربط» و فعل مرکب مانند تغییر کن معنی شده، تغییر بده و نیز در مقاله دیگر به نحوی کاربرد صفات پرداخته شد، مانند مرتضایی (۱۳۸۰) و در برخی از مقالات بحث دستور زبان به (همکردهای معادل با «کردن» در فعل مرکب پرداخته اند، مانند صدیقیان (۱۳۷۲). در یک مقاله ساختار زبان به متناقض نما در شعر حافظ پرداخته است یعنی از بحث زبان به آرایه پارادوکس را مورد بحث و بررسی قرار داده است مانند مقاله محمدی (۱۳۷۲).

۱-۴. عناوین مقالات

۱. چند نکته دیگر درباره سخن‌شناسی حافظ (۱۳۷۵) توفیق سبحانی، مجله قند پارسی، ش ۱۱، ص ۴۲-۵۷.
۲. حافظ فهمی ما (۱۳۸۰). علیم اشرف خان، قند پارسی، ش ۱۶، صص ۱۲۶-۱۲۱.
۳. معنی‌گردانیهای حافظ (۱۳۸۰). منصور رستگارفسایی، مجله نامه انجمن، ش ۲، صص ۳۹-۶۳.
۴. طبیعت انسانواره در غزل حافظ (۱۳۷۱). غلامرضا ستوده، مجله سخن اهل دل، ۵۱۷-۵۴۵.
۵. حافظ شیرازی به حیث قصیده‌سرایی (۱۳۷۱). آصفه زمانی، مجله سخن اهل دل، صص ۴۸۶-۴۷۵.
۶. فعل و طرز استعمال آن در دیوان حافظ (۱۳۷۱). محمدجواد شریعت، مجله سخن اهل دل، صص ۶۱۱-۶۲۴.
۷. توازی معنایی در ایهامهای حافظ (۱۳۷۱). اصغر دادبه، حافظ‌شناسی، سال ۱۵، صص ۹-۳۱.
۸. جوشش زندگی در کلام حافظ (۱۳۷۱). رمزی از رموز قبول خاطر، کدامین پاشا اجلالی، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، سال سی و پنجم، شماره ۳ و ۴، صص ۱-۱۷.
۹. نوعی ایهام در شعر حافظ (۱۳۷۱). حسینعلی هروی، سخن اهل دل، صص ۷۹۷-۸۱۵.
۱۰. قرن حافظ (۱۳۷۱). محمد محیط طباطبایی، سخن اهل دل، صص ۷۱۹-۷۲۹.
۱۱. گزیده‌ای از ضرب و ارسال مثل حافظ (۱۳۷۱). ویدا جلی، سخن اهل دل، تهران، صص ۲۵۰-۲۳۹.
۱۲. طیف بیانی در منشور غزل حافظ (۱۳۷۱). جلیل تجلیل، مجله سخن اهل دل، صص ۱۵۹-۱۷۰.

۱۳. دستور زبان حافظ (همکردهای معادل با «کردن» در فعل مرکب (۱۳۷۲). مهین‌دخت صدیقیان، ادبیات مشهد، صص ۸۷۱-۸۹۴.
۱۴. ساختار زبان متناقض‌نما در شعر حافظ (۱۳۷۲). محمدرضا محمدی، مجله کیان، ش ۱۶، صص ۵۹-۶۱.
۱۵. روابط معنوی و لفظی ساقی‌نامه حافظ با غزلیات او (۱۳۷۲). ابراهیم قیصری، دو ماهنامه آشنا، ش ۱۰، صص ۶۶-۷۶.
۱۶. تصویرهای دریایی در شعر فارسی و نمود آنها در غزل‌های حافظ (۱۳۷۳). نصرالله امامی، مجله ادبیات بهشتی، ش ۱۵ و ۱۶، صص ۱۹-۳۶.
۱۷. ارسال المثل در شعر حافظ (۱۳۷۳). هادی کوشش، ادبستان، ش ۵۳، صص ۲۵-۲۷.
۱۸. خواجه و خنیا (۱۳۷۳). میرجلال‌الدین کرآزی، مجله آشنا، ش ۱۹، صص ۶۴-۶۷.
۱۹. شعر و سخن حافظ از دیدگاه لسان‌الغیب (۱۳۷۳). سیدداود زهدی، مجله قند پارسی، ش ۱۰، صص ۲۲۹-۲۴۲.
۲۰. حافظ چهار هنر (۱۳۷۴). سیدجعفر حمیدی، مجله ادبیات بهشتی، ش ۲۰، صص ۵-۴۱.
۲۱. سنت‌های ادبی با شرح دو بیت از حافظ (۱۳۷۴). حمیدرضا شایگان‌فر، مجله رشد ادب فارسی، ش ۴۱، صص ۵۸-۶۰.
۲۲. آماری از تنوعی مضمونی در غزل‌های حافظ (۱۳۷۵). سعید حمیدیان، مجله ادبیات مشهد، صص ۳۳۵-۳۴۰.
۲۳. گزارشی از بلاغت در غزل حافظ (۱۳۷۵). جلیل تجلیل، مجله قند پارسی، ش ۱۱، صص ۳۹-۴۱.
۲۴. صفات ادبی و شاعرانه در دیوان حافظ (۱۳۷۶). خسرو فرشیدورد، مجله آشنا، ش ۳۴، صص ۱۲۴-۱۳۸.
۲۵. چند ایهام و اشاره دور از ذهن در شعر حافظ (۱۳۷۷). ابراهیم قیصری، فصل‌نامه هنر، ش ۳۷، صص ۱۹-۱۰.
۲۶. مطالعه خواجه حافظ شیرازی از حیث زبان و سبک بیان (۱۳۷۸). سید وحید اشرف، دانش، ش ۵۶ و ۵۷، صص ۲۰۲-۲۱۱.
۲۷. چند نکته در شعر حافظ (۱۳۸۰). فرزاد ضیایی حبیب‌آبادی، فرهنگ اصفهان، ش ۲۰، صص ۴۱-۳۰.
۲۸. برخی ویژگیهای زبانی و دستوری شعر حافظ (۱۳۸۰). سیدجواد مرتضایی، نامه پارسی، ش ۶، صص ۴۷-۳۳.

۲۹. بررسی وزن رباعیات حافظ (۱۳۸۰). عراق رضا زیدی، قند پارسی، ش ۱۶، صص ۱۰۶-۱۰۰.
 ۳۰. مروارید شعر حافظ (۱۳۸۰). محمدابراهیم باستانی پاریزی، تاریخ ۲، ش ۱، صص ۴۲-۱۱.
 ۳۱. شعر و زبان حافظ بیان برخی ویژگیهای زبانی-دستوری (۱۳۸۰). سیدجواد مرتضایی، مجله کیهان فرهنگی، ش ۱۸۵-۱۸۶، صص ۷۷-۷۲.
 ۳۲. گونه‌های شعر حافظ (۱۳۸۰). منصور رستگارفسائی، مجله حافظ‌پژوهی، صص ۱۴-۳۷.
 ۳۳. صفات ظاهری معشوق در غزلیات حافظ (۱۳۸۰). سیده خورشیدفاطمه حسینی، قندپارسی، ش ۱۶، صص ۱۳۹-۱۴۱.
 ۳۴. یادداشتی بر چند نکته در شعر حافظ (۱۳۸۰). بهروز ثروتیان، ماهنامه ادبیات و فلسفه، ش ۵۰ و ۵۱، صص ۱۱۹-۱۱۸.
- نخستین و مهمترین نکته‌ای که در این قسمت باید یادآوری گردد آن است که مقالاتی که در این قسمت برگزیده شده‌اند و ذیل عنوان عمومی سبک‌شناسی جای گرفته‌اند خط به خط خوانده شده و با نگاه تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته‌اند و به دلیل آنکه محتوای آنها بیشتر به مطالب سبک‌شناسی اختصاص داشته است، در این دسته‌بندی گنجانده شده‌اند و گر نه ممکن است برخی مقالات عنوانی دقیقاً مرتبط با سبک‌شناسی نداشته باشند. همچنین لازم به ذکر است ملاک انتخاب مقالات ذکر آن در فهرست ایرج افشار بوده است، بنابراین مقالاتی که احیاناً در این فهرست نیامده‌اند، از این بررسی خارج می‌باشد.

۲-۴. نقد و بررسی ساختاری مقالات

در بررسی ساختاری مقاله‌ها تمامی مقاله‌های مربوطه به لحاظ آماری از حیث همخوانی متن و عنوان، استناد محتوا به مرجع خاص یا عدم استناد آنها (طبق نظریه شخصی)، برخورداری ساختار علمی، میزان تاثیرگذاری و سودمندی، میزان ابتکار و تازگی، داشتن ارجاعات، داشتن چکیده و کلیدواژه و نیز سایر موارد لازم به شرح ذیل بررسی گردید.

از نظر ساختاری حدود هفتاد درصد مقاله‌های این دوره فاقد اجزای علمی یک مقاله پژوهشی با استانداردهای امروزی هستند، مثلاً مقاله شماره ۴، ۶، ۷، ۸، ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۱۹، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۶، ۲۷ و ۲۹ از فهرست بالا فاقد منابع و مأخذ هستند که امروزه کاستی چشمگیری به شمار می‌آید. همچنین همین میزان از مقالات مانند ۷، ۱۰، ۱۵ و... فاقد چکیده هستند که در مقالات علمی-پژوهشی دوره معاصر از اهمیت بسیاری برخوردار

است و نبود آن باعث سردرگمی مخاطب خواهد شد. فقدان نتیجه‌گیری و نبود معادل برای واژگان لاتین و مواردی از این قبیل دیگر اشکالات رایج ساختاری مقالات در این دهه به شمار می‌روند در اینجا به عنوان نمونه نقد ساختاری دو مقاله را ذکر می‌کنیم:

۱-۲-۴. نقد و بررسی توازی معنایی در ایهام‌های حافظ، اصغر دادبه، حافظ‌شناسی، سال ۱۵، صص ۹-۳۱.

محدور بحث در این مقاله بررسی صنعت ایهام در شعر حافظ است که از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گرفته و نویسنده با ذکر نمونه ابیات به شرح انواع ایهام موجود در شعر حافظ پرداخته است. بررسی و تحلیل صفت ایهام به دو نوع؛ ایهام در لغت و ایهام در جمله؛ تشریح ویژگیهای ایهام بدین صورت که، کلمه دارای ایهام، دو معنای دور و نزدیک را در ذهن خواننده متبادر نماید که مراد گوینده معنای دور باشد. تحلیل و بررسی ایهام از سه جنبه توازن معنایی، تساوی معنایی و اختلاف معنایی بدین جهت که در توازن معنایی معنای کلمه مورد نظر نزد خواننده و شنونده برابر است چه معنای دور آن و چه معنای نزدیک آن در تساوی معنایی خواننده نمیتواند کلمه دارای ایهام را از حیث معنای دور و نزدیک تمیز دهد و در اختلاف معنایی چنان است که خواننده با صراحت میتواند معنی اولی و دومی را از یکدیگر تشخیص دهد و معنای دومی که همان معنای دورتر است را به عنوان ایهام مدنظر قرار دهد. مقاله فاقد چکیده، مقدمه و نتیجه‌گیری است و منابع هم ذکر نشده است.

چنانکه مشاهده میشود محور بحث در مقاله هرچند موضوعی مهم و بنیادی در شعر حافظ است و با توجه به سال تألیف مقاله ۱۳۷۱ قابل اعتنا به شمار می‌رود، اما ساختار علمی مقاله وجود ندارد و به هیچ روی قابل دفاع نیست.

۴،۲،۲. نقد و بررسی گزارشی از بلاغت در غزل حافظ، جلیل تجلیل، مجله قند پارسی، ش ۱۱، صص ۳۹-۴۱.

محور بحث این مقاله پیرامون غزلی معروف از حافظ است که نویسنده به تفسیر بیت به بیت آن پرداخته از حیث صنایع و آرائه‌های ادبی خبری نیست. اینک مصرع آن غزل: دل و دینم شد و دلبر به ملامت بر خاست گفت با ما منشین کز تو سلامت بر خاست این مقاله کمتر از هزار واژه است و طبق ضوابط علمی-پژوهشی اطلاق مقاله به آن درست نیست، اما در فهرست مقالات ایرج افشار با عنوان مقاله درج شده است و میتوان گفت محتوای آن در حد یک یادداشت یا نقد کوتاه است. در بیت اول نویسنده اشاره به حذف سند با تضاد فعل شد نموده، این در حالیست که در ربطی بودن این فعل جای تردید است چرا که فعل شد اینجا در غیر معنای واقعی خود بکار رفته و در حقیقت در معنای رفت و از دست رفت آمده‌است. شایسته‌تر بود برای تهیه محتوای بیشتر که به مقاله

هم شباهت پیدا کرده باشد، علاوه بر شرح ارائه‌های ادبی به تفسیر و معنای ابیات نیز نویسنده همت می‌گماشت. همچنین یادآور می‌گردد این مقاله فاقد منابع است. مشکل این مقاله نیز کمتر از مقاله پیشین نیست و شاید نویسنده با توجه به شهرت خویش بدون اعتنا به ضوابط علمی اقدام به تألیف چنین مقاله‌ای کرده باشد که در خور نام بلند مؤلف نبوده و شایسته تجدید نظر و بازنگری جدی است. بطور کلی در این دوره مقالات کوتاه کمتر از هزار واژه فراوان به چشم می‌خورند، این مقالات که در حد یک یادداشت هستند برای روزنامه‌ها یا مجلات عمومی چندان بد نیست، اما چاپ آن در مجلات وزین علمی و دانشگاهی جای سؤال دارد، مانند شماره‌های ۱۷، ۱۸، ۲۱ و ۲۳ از فهرست مقالات سبک‌شناسی فوق‌الذکر.

بنابر آنچه گفته آمد نمی‌توان از منظر ساختاری برای مقالات این دوره امتیاز قابل قبولی در نظر گرفت و خواننده امروزی در بررسی این مقالات و کشف محتوای آن دچار اشکال جدی است و باید تمام مقاله را بخواند تا در پایان برای خود به نکته یا نکاتی برسد، گاه حتی مقاله بدون نتیجه‌گیری به اتمام می‌رسد و مخاطب در میماند که بالاخره هدف از نگارش این پژوهش چه بوده است و باید از نو خود به مقاله برگردد و در آن تأمل کند تا شاید مقصود نویسنده را دریابد. از منظر تاریخی نیز دو سال آغازین و پایانی این دوره یعنی ۱۳۷۱ و ۱۳۸۰ به ترتیب با نه و ده مقاله بیشترین توجه به موضوعات سبک‌شناسی را داشته‌اند بنابراین میتوان چنین گفت که در سال ۱۳۸۰ موضوع سبک‌شناسی به اولویت و دغدغه ذهنی حافظ‌پژوهان تبدیل شده است.

۳-۴. نقد و بررسی محتوایی مقالات

وجود نامهای پژوهشگران و حافظ‌شناسان بزرگ در این دوره خود گویای این حقیقت است که مقالات از نظر محتوایی به طور نسبی قابل اعتنا هستند و هر یک کمابیش نکته‌ای درخور در بر دارند و مخاطب را به نویافته‌ای در عرصه حافظ‌شناسی رهنمون می‌شوند، به‌عنوان نمونه نقد محتوایی دو مقاله را در اینجا ذکر می‌کنیم:

۱-۳-۴. نقد و بررسی نوعی ایهام در شعر حافظ، حسینعلی هروی، سخن اهل دل، صص ۷۹۷-۸۱۵.

این مقاله به بیان کلمات دو پهلوی و بحث در خصوص ایهام تناسب در آثار حافظ استخراج کلمات دو معنایی یا بیشتر که حافظ ایهام‌های فریبده خود را بر روی آنان بنا نموده است، می‌پردازد. در صفحه ۷۹۸ تا حدودی مضمون ذکر شده و آنگاه بیست و نه ایهام در کل مقاله ذکر شده است که علاوه بر مضمون آماری به دو یا سه مثال مصداقی نیز میتوان اشاره کرد. منابع اصلی این مقاله عبارتند از: فرهنگ واژه‌نمای حافظ، صدیقیان و میرعابدینی؛ مقام حافظ جلال‌الدین همایی و کلک خیال/نگیز، پرویز اهورا.

مطالب این مقاله کمک بسیاری به تدبر و تتبع در غزلیات حافظ با نگاه علم به صنعت ایهام مینماید و خواننده را به دقت نظر بیشتر در تفسیر و درک مطلب مینماید و از این نظر ارزش بسزایی دارد. عنوان با محتوای مقاله کاملاً تناسب دارد و عدم ذکر «تناسب» در عنوان مقاله و استفاده از عبارت نوعی ایهام تمایل و کنجکاوی خواننده را به مطالعه مقاله بیشتر مینماید. زبان و کلام نویسنده نسبتاً ساده و همه فهم است، ضمن اینکه از منابع معتبری استفاده شده است.

۲-۳-۴. نقد و بررسی گونه‌های شعر حافظ، منصور رستگار فسائی، مجله حافظ‌پژوهی، صص ۱۴-۳۷.

مضامین اصلی: مقدمه‌ای پیرامون گونه‌های شعر حافظ اعم از محتوا و قالب (صورت و معنا)؛ واکاوی تعداد غزلیات حافظ براساس چاپ‌های مختلف به تحقیق نیساری. شرح تعداد قصاید حافظ (چهار قصیده) و دو مثنوی آهوی وحشی و ساقینامه. شرح معنی‌نامه‌های حافظ و مقایسه آن با ساقینامه با بیان تفاوت‌ها و وجوه اشتراک آن دو؛ شرح قطعات، رباعیات و ترکیب بندهای حافظ؛ توضیحات تکمیلی و جامع پیرامون غزلیات حافظ مشتمل بر تعداد ابیات هر غزل، اوزان پرشمار غزل، تعداد ردیفهای به کار بسته شده در غزلیات، وزنهای شاد، غم انگیز و وزنهای آرام غزلیات حافظ؛ ساختار معنایی غزلیات حافظ اعم از عاشقانه‌ها، شادی، زندانه‌ها و توصیف مضامین وارد بر غزلیات زندانه حافظ مضامین این مقاله را تشکیل میدهد. منابع اصلی این مقاله عبارتند از: شعر بی‌دروغ شعر بی‌نقاب، عبدالحسین زرین‌کوب؛ موسیقی شعر، محمد رضا شفیعی کدکنی؛ فن شعر ارسطو، ترجمه عبدالحسین زرین‌کوب؛ مکتب حافظ، منوچهر مرتضوی؛ مقام حافظ، جلال‌الدین همایی.

مقاله دارای ارجاعات مفید و معتبری است که در دل آن میتوان پی به منابع هم برد، فضای مقاله به سمت اطناب رفته و میتوانست به زبان ایجاز مقاله را بیان کند، از صداقت کلام و سادگی برخوردار است، از عنوان معتبری سود جسته که محتوا را کاملاً پوشش میدهد. نویسنده حافظ را در سرودن رباعیات زیاد توانا نمیداند و معتقد است این رباعیات نام بزرگ حافظ را خدشه دار مینماید. در مجموع میتوان این مقاله را بهترین مقاله مرتبط با موضوع سبک‌شناسی حافظ در این دوره دانست.

در موضوع سبک‌شناسی و تاریخ ادبیات میتوان به عنوان فرعی صنایع ادبی اشاره داشت: نویسندگان مقالات در بازه زمانی ۱۳۷۱-۱۳۸۰ حدود ده مقاله از مجموعه مقالات را به این موضوع اختصاص داده‌اند. در بحث آرایه‌های ادبی و حافظ آنچه نخست به ذهن میرسد معمولاً آرایه ایهام است؛ زیرا حافظ را در دنیای شعر و شاعری به استفاده از صنعت ادبی ایهام میشناسند. از همین رو چهار مقاله در موضوع ایهام در اشعار حافظ نوشته‌اند

مانند (هروی، ۱۳۷۱) و (دادبه، ۱۳۷۱) و یا «چند ایهام و اشاره دور از ذهن در شعر حافظ» (قیصری، ۱۳۷۷). در مورد ارسال مثل و نیز در مورد کنایات در اشعار حافظ مجموعاً چهار مقاله انجام گرفته است.

۵. نتیجه‌گیری

سالهاست که یکی از مهمترین محورهای پژوهش در زبان و ادبیات فارسی حافظ و اشعار وی بوده است. پژوهشگران ادبی و دوستداران این سراینده، درباره او بسیار نوشته‌اند. در بازه زمانی ۱۳۷۱ تا ۱۳۸۰ شمسی نزدیک به ۳۹۰ مقاله درباره حافظ انتشار یافته است. این مقاله از دیدگاه تنوع موضوعی، گستره وسیعی دارد بگونه‌ای که با چشم پوشی و در کنار هم نهادن موضوعات نزدیک به هم میتوان به هجده گروه دست یافت. میزان استقبال پژوهشگران از موضوعات یاد شده یکسان نیست، بگونه‌ای که حدود پنجاه درصد مقالات تنها درباره چهار موضوع عرفانی و فلسفی، ادبیات تطبیقی، تک‌بیتها و شخصیت‌شناسی حافظ بوده است. سی و چهار مقاله یعنی حدود نه درصد مقالات به موضوع سبک‌شناسی بطور مستقیم یا ضمنی پرداخته‌اند که از این منظر میتوان گفت موضوع سبک‌شناسی در این دوره از حافظ‌پژوهی در رده چهارم اهمیت بوده است. همچنین بسیاری از مقالات فاقد ساختار علمی لازم و اجزای مقاله از جمله چکیده و مقدمه و منابع و مآخذ بوده‌اند که نشان از ضعف ساختاری جدی مقاله‌نویسی در این دوره دارد.

با نگاهی کلی به کارنامه حافظ‌پژوهی در سال‌های ۱۳۷۱-۱۳۸۰ میتوان به دو نکته بارز اشاره کرد: فقدان ساختار علمی مقاله‌نویسی در عین وجود محتوای تازه و مبتکرانه. در مقالات این دهه شاید کمتر مقاله‌ای را بتوان یافت که با معیارهای امروزیین مجلات علمی-پژوهشی سازگار باشد و بتواند مهر قبولی از جانب آنان دریافت کند، اما از نظر محتوایی مقالات بزرگانی چون زرین‌کوب، نیساری، خرمشاهی، آشوری و ... هر یک منابع مهم و معتبر مقالات امروزیین هستند و این خود نشان میدهد که هرچند در دهه هفتاد ساختار مقالات علمی-پژوهشی مانند امروز رعایت نمیشده است اما از بعد محتوایی بسیاری از این مقالات هر یک حاوی نکته و دریافتی تازه و از سر تحقیق، پیگیری و تعمق در دیوان حافظ هستند. چیزی که در مقالات ساختارمند مجلات علمی-پژوهشی در زمان ما کمتر به چشم میخورد و این به باور نویسنده کاستی بزرگی است. از همین رو نویسندگان این مقاله پیشنهاد میکنند با نگاهی به روشهای تولید محتوا در مقالات دهه هفتاد راهی به سوی تعمیق محتوای حافظ‌پژوهی در مقاله‌های آتی برداشته شود. در مسیر تحقق این هدف میتوان پژوهشهای با عنوان چیستی روش‌شناسی بومی در زمینه پژوهشهای ادبی پیش از آشنایی با مکتبها و روش پژوهش غربی را به انجام رساند.

منابع و مأخذ

- اوجی دیریاب و کوشش کامیاب در تصحیح دیوان حافظ (تصحیح جدید علم سلیم نیساری). خرمشاهی، بهاء‌الدین. (۱۳۷۸). مجله هنر ش ۴۳ سال ۱۳۷۸، صص ۲۲۴-۲۵۰.
- اندیشه‌های اخلاقی حافظ. حاکمی، اسماعیل. (۱۳۷۵). قند پارسی، ش ۱۱، صص ۸۱-۹۲.
- حافظ و رندی و صوفی‌گری. جمال زاده، محمدعلی. (۱۳۷۱). مجله سخن اهل دل، صص ۲۵۱-۲۷۸.
- حافظ در فرهنگ چکسلواکی. پیچکا، یرژی. (۱۳۷۱). مجله سخن اهل دل، صص ۱۱۹-۱۲۴.
- مطالعه‌ی خواجه حافظ شیرازی از حیث زبان و سبک بیان. اشرف، سید وحید. (۱۳۷۸). مجله دانش، ش ۵۶-۵۷ صص ۲۰۲-۲۱۱.
- حافظ شیرازی و رسم کاسه گرفتن و کاسه زدن. محبوب، محمد جواد. (۱۳۷۱). مجله کلک ش ۳۲-۳۳، صص ۹-۱۵.
- آسمان بار امانت نتوانست کشید قرعه کار (یا فال) به نام من دیوانه زدند. پوردرگاهی، ابراهیم. (۱۳۸۰). مجله ادبیات مشهد، ش ۳-۴ صص ۹۲۹-۹۳۸.
- بحثی در معنای چند بیت حافظ. ذکاوتی قراگزلو، علیرضا. (۱۳۷۱). مجله گلچرخ صص ۱۹۰-۱۹۱.
- تأملی دیگر پیرامون یک غزل خواجه. شاپوریان، رضا. (۱۳۸۰). مجله حافظ پژوهی، صص ۶۸-۷۳.
- هستی‌شناسی حافظ. خرمشاهی، بهاء‌الدین. (۱۳۷۷). مجله بخارا، ش ۱، صص ۲۳۶-۲۴۸.
- باز هم درباره «تحفه حافظ». برهام، مهدی. (۱۳۷۵). مجله کلک. ش ۸۰-۸۳، صص ۴۱۷-۴۲۲.
- چند نکته درباره اشعار الحاقی در دیوان حافظ. نذیر، احمد. (۱۳۸۰). قند پارسی، ش ۱۶، صص ۱-۱۰.
- حکمت و اخلاق در غزلیات حافظ. همدل، غلامرضا. (۱۳۸۰). مجله ادبیات تهران، صص ۲۲۳-۲۴۴.
- عالم مثالی شعر حافظ. پورنامداریان، تقی. (۱۳۷۶). مجله درخت معرفت، صص ۲۴۵-۲۶۳.
- از عشق به عشق، بینش حافظ از هنر خود. پورگل یوهان، کریستف. (۱۳۷۱). مجله اهل دل، صص ۱۲۹-۱۳۵.

- مباحثی پیرامون شناخت واقعی حافظ. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۲). مجله ادبستان ش ۴۱، صص ۲۰-۲۳.
- نوعی ابهام در شعر حافظ. هروی، حسینعلی. (۱۳۷۱). مجله سخن اهل دل. صص ۷۹۷-۸۱۵.
- حافظ چهار هنر. حمیدی، سید جعفر. (۱۳۷۵). مجله ادبیات بهشتی، ش ۲۰ صص ۵-۴۱.
- نگاهی به الهام هادی حافظ احادیث. دادبه، اصغر. (۱۳۷۱). مجله سخن اهل دل، صص ۳۶۹-۳۷۸.
- ابیات حافظ شیرازی در ظفرنامه یزدی. افشار، ایرج. (۱۳۷۱). مجله حافظ شناسی، صص ۱۳۴-۱۳۶.
- برخی ویژگی‌های زبانی و دستوری شعر حافظ. مرتضایی سیدجواد. (۱۳۸۰). مجله نامه پارس، ش ۳، صص ۳۳-۴۷.
- دستور زبان حافظ (هکردهای معادل با (کردن) در فعل مرکب). صدیقیان، مهین‌دخت. (۱۳۷۶).
- قرن حافظ. محیط طباطبایی، محمد. (۱۳۷۱). مجله سخن اهل دل، صص ۷۱۹-۷۲۹.
- پیرامون نفوذ و تأثیر شعر حافظ بر ادبیات و فرهنگ شبه قاره هند. دبیری‌نژاد، بدیع‌الله. (۱۳۷۱). مجله ادبستان ش ۳۳ صص ۲۶-۲۹.
- پیروان حافظ در شبه قاره هند. دبیری‌نژاد، بدیع‌الله. (۱۳۷۷). مجله فروهر. ش ۵-۶، صص ۱۷-۱۹.
- سمومی بر طرف بوستان. امیر ارجمند، مریم. (۱۳۸۰). پژوهش‌نامه فرهنگ، ش ۱ صص ۲۴-۴۵.
- محیط حافظ و تأثیرات آن در اشعار او. جایسی، کبیر احمد. (۱۳۸۰). قند پارسی، ش ۱۶، صص ۲۵-۳۵.
- ارزش بشر و بشر دوستی در دیوان حافظ. غفّار، قمر. (۱۳۷۹). قند پارسی، ش ۱۴، صص ۱۵۹-۱۶۴.
- حافظ و شهریار. حصاری، میرهدایت‌الله. (۱۳۷۱). مجله سخن اهل دل، صص ۳۵۷-۳۶۷.
- جامی و حافظ، (برگردان از خط روسی توسط شمس الحق رهنما). افصح زاد، اعلاخان. (۱۳۷۲). مجله آشنا ش، ۱۴ صص ۶۳-۶۸.
- «خرقه سوزی» در شعر حافظ. مرامی، فرشید. (۱۳۸۰). مجله کیهان فرهنگی، ش ۱۷۵، صص ۳۲-۳۳.

- تجلی در عرفان در دیوان حافظ. شوقی نوبر، احمد. (۱۳۷۱). مجله کیهان اندیشه، ش ۴۴، صص ۱۴۵-۱۵۲.
- شناخت حافظ از دیدگاه یک فرد چینی. زین، یان شن. (۱۳۷۱). مجله سخن اهل و دل صص ۴۸۷-۴۹۶.
- کنکاش در راز ماندگاری شعر حافظ. سجودی، فرزانه. (۱۳۷۸). مجله زیبا شناخت. ش ۱ صص ۱۴۳-۱۵۰.
- حافظ و غزل او. کوپچکوا، ورا. (۱۳۷۱). مجله سخن اهل دل صص ۶۶۹-۶۷۲.
- حافظ و حافظ شناسی (ذر قلمرو عثمانی و ترکیه امروز و ترجمه ترکی دیوان حافظ). طوقمان، عبدالرحمن ناجی. (۱۳۷۱). مجله سخن اهل و دل، صص ۷۵۳-۷۵۹.
- حافظ ایران و انیران. تقوی، میرمحمد. (۱۳۷۱). مجله سخن اهل دل، صص ۱۷۱-۱۸۳.
- آماری از تنوع مضمونی در غزلهای حافظ. حمیدیان، سعید. (۱۳۷۵) ادبیات مشهد صص ۳۳۵-۳۴۰.
- معمای حافظ. موسی گرمارودی، سیدعلی. (۱۳۷۸). مجله فصلنامه هنر، ش ۴۴، صص ۱۰-۱۶.
- اصفهان در جام جهان نمای حافظ. نوریان، مهدی. (۱۳۷۹). مجله ادبیات اصفهان، ش ۲۰-۲۱، صص ۱۰۹-۱۲۶.